

فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

سال یازدهم • شماره سی و نهم • بهار ۱۳۹۸

ISSN 2008-627X



- تحلیل تمثیل‌های نمادین اسب در شاهنامه فردوسی
حسن تاجیک محمدیه، عظامحمد رادمنش، مهرداد چترایی ۸
- رویکرد تمثیلی صائب تبریزی در بیان ویژگی‌های انسان سالم از منظر روان‌شناسان انسان‌گرا، با تکیه بر دیوان غزلیات شاعر
بهزاد پوررضایان، سید احمد حسینی کازرونی، سید جعفر حمیدی، عزت دیره ۲۸
- بررسی تمثیلات اخلاقی کلیله و دمنه در تبیین هدف از طبابت
اکبر ساجدی ۵۸
- گذری بر تمثیل در مثنویهای طالب علی‌خان لکهنوی، متخلص به عیسی
زیبا فلاحی، مهرداد چترایی، مریم محمودی ۷۹
- "از بودن تا شدن" در حکایتی تمثیلی از مثنوی (بررسی تطبیقی «حکایتی تمثیلی» از مثنوی، با مفهوم «انسان در مسیر بودن تا شدن» در فلسفه اگزیستانسیالیسم)
مریم مرتضایی، رضا اشرف زاده، بتول فخر اسلام ۹۷
- کاربرد نماد و تمثیل در شعر عطار نیشابوری
جعفر هواسی، سید احمد حسینی کازرونی، فرزانه یوسف قنبری ۱۱۷





دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
معاونت پژوهش و فناوری

فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

سال دهم / شماره سی و نهم / بهار ۱۳۹۸

نمایه شده در:

www.sid.ir

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.noormags.com

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

مقالات، نمودار آرای نویسندگان است و این فصل نامه در این زمینه، مسؤولیتی ندارد.
خواهشمند است فایل Word و Pdf مقاله تنها از طریق سایت فصل نامه ارسال گردد:

<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>

« فصل نامه تحقیقات تشبیلی در زبان و ادب فارسی »

مدیر مسؤول: دکتر سید جعفر حمیدی (استاد)

عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی

سر دبیر: دکتر سید احمد حسینی کازرونی (استاد)

عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی

مدیر داخلی: سعیده ساکی انتظامی

عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، گروه زبان و ادبیات فارسی

دکتر شمس‌الحاجیه اردلانی: استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

مشاوران علمی (دکتری زبان و ادبیات فارسی):

استادان: دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر عطاءمحمد رادمش، دکتر محمد غلام رضایی، دکتر علی محمد مؤذنی، دکتر احمدرضا یلمه‌ها

دانشیاران: دکتر علی اصغر باباصغری، دکتر منصور ثروت، دکتر فاطمه حیدری، دکتر احمد ذاکری، دکتر علی سلیمی، دکتر مجتبی منشی‌زاده

استادیاران: دکتر جمال احمدی، دکتر اصغر باباسالار، دکتر ابراهیم حیدری، دکتر علی اکبر خان‌محمدی، دکتر هادی خدیور، دکتر میراسماعیل قاضی شیراز

ویراستار فارسی: دکتر سیداحمد حسینی کازرونی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

اعضای هیأت تحریریه: گروه زبان و ادبیات فارسی (به ترتیب حروف الفبایی):

دکتر نصرالله امامی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران - اهواز

دکتر کاووس حسن لی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

دکتر سید احمد حسینی کازرونی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

دکتر سید جعفر حمیدی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

دکتر احمد خاتمی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی - تهران

دکتر کاظم دزفولیان: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی - تهران

دکتر عباس کی منش: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

ناشر: معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

پست الکترونیک: sahkazerooni@yahoo.com

تلفن سردبیر: ۰۹۱۲-۱۰۰۴۳۵۴

پست الکترونیک: ssentezami@gmail.com

تلفن مدیر داخلی: ۰۹۱۲-۰۱۴۷۷۱۵

راهنمای نگارش و شرایط پذیرش مقاله

- این فصل‌نامه با شرایط زیر، در مباحث تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، مقاله می‌پذیرد:
- مقاله‌های فرستاده شده، در نشریه دیگری چاپ و یا به سایر مجله‌های داخلی و خارجی ارسال نشده باشد. ضمناً گرایش مقالات فقط در تحقیقات زبان و ادب فارسی است و با رویکرد تمثیلی است.
 - هیأت تحریریه در رد یا قبول و ویرایش ادبی و کوتاه کردن مطالب، آزاد است.
 - حق چاپ، پس از پذیرش برای «این فصل‌نامه» محفوظ است و نویسندگان، نباید مقاله‌های خود را در نشریه دیگری به چاپ برسانند.
 - چاپ مقاله‌ها و تقدّم و تأخر آن در بررسی و تأیید هیأت تحریریه، تعیین می‌شود.
 - مقاله‌های ارسالی، باید تحقیقی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد.
 - اولویت در گزینش چاپ مقاله به ترتیب با مقاله‌های پژوهشی و تألیفی است.
 - مسئولیت درج گفتارها و صحت مطالب مندرج در هر مقاله، به لحاظ علمی و حقوقی و ... به عهده نویسنده است.
 - مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه‌ها، نخست با ذکر نام دانشجو و سپس با ذکر نام استاد راهنما بلامانع است.
 - مقاله‌های دریافتی، توسط استادان متخصص داوری خواهد شد.

* ضوابط مقاله‌های ارسالی:

۱. اشعار مقاله مانند نمونه زیر در جدول قرار داده شوند:

| | |
|----------------------------|--------------------------------|
| مصطفی فرمود دنیا ساعتی است | پس ترا هر لحظه مرگ و رجعتی است |
| (مولوی، ۱۳۷۱: د ۱، ۵۶) | |

- چکیده انگلیسی باید مطابق چکیده فارسی باشد. (شامل اسم مقاله، اسم نویسنده(گان)، سمت نویسنده(گان)، متن چکیده، کلمات کلیدی).
- مقاله، باید شامل چکیده فارسی و انگلیسی (در حدود) ۱۰ سطر - حدود ۱۶۰ کلمه، واژگان کلیدی (سه تا ۵ واژه)، مقدمه، پیشینه، بیان مسأله، سوالات تحقیق، اهداف، روش تحقیق، نتیجه و فهرست منابع و مأخذ باشد. ضمناً آدرس پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه نویسنده در پایین چکیده‌ها درج شود.
- در صفحه اصلی مقاله، برای درج مشخصات، بدین گونه عمل شود:
 - عنوان کامل مقاله (در وسط صفحه)
 - نام نویسنده یا نویسندگان. (در سمت چپ صفحه، در دو نیمه سطر)
 - رتبه علمی و نام دانشگاه یا مؤسسه محل اشتغال.
 - نشانی کامل نویسنده، شامل: نشانی کامل پستی، شماره تلفن، دورنگار، پست الکترونیکی.

۶. محدوده نقل قول‌ها و ذکر نوشته‌های دیگران باید در درون گیومه قرار داده و پس از آن آدرس درون متنی در پرانتز درج شود.

۷. ارجاعات در متن مقاله، در درون پرانتز و بدین گونه تنظیم گردد: (نام خانوادگی مؤلف، سال انتشار:)، برای مثال: (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۷: ۱۴) ۸. در مقاله به پیشینه پژوهش اشاره شود.

۹. منابع و مأخذ، در پایان مقاله، به ترتیب حروف الفبایی و بدین گونه تنظیم گردد:

الف - کتاب: نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، نام کتاب. شماره ج. نام مترجم یا سایر افراد همکار. محل نشر. نام ناشر، چ ...

ب - مقاله: نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام مترجم یا سایر افراد دخیل. نام نشریه. دوره یا سال. شماره نشریه. شماره ص (:)

ج - مجموعه‌ها: نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام گرد آورنده یا ویراستار. نام مجموعه مقالات. محل نشر. نام ناشر. شماره ص (:)

د - پایگاه اینترنتی: نام خانوادگی، نام. تاریخ دریافت از پایگاه اینترنتی. عنوان مطلب. نام پایگاه و نشانی پایگاه اینترنتی به خط ایتالیک.

ه - لوح فشرده: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان مطلب. نام لوح فشرده. محل نشر. نام ناشر.

۱۰. معادل مفاهیم و نام‌های خارجی در پرانتز روبروی کلمه فارسی یا در زیر همان صفحه یا در پایان مقاله با عنوان پی‌نوشت، ذکر شود.

۱۱. نمودارها، جدول‌ها و تصویرها در صفحات جداگانه ارائه و عنوان‌های مربوطه، به صورت گویا و روشن در بالای آنها نوشته شود.

الگوی فنی تنظیم مقالات

متن فارسی با قلم بی لوتوس (B lotus) و متن عربی با قلم بدر (Badr) یا Traditional Arabic) نوشته شود.

اندازه قلم‌ها به شرح زیر باشد:

- عنوان مقاله با ۱۶ سیاه
- کلمه چکیده با ۱۳ سیاه
- کلمه کلید واژه‌ها با ۱۳ سیاه
- متن چکیده و کلید واژه‌ها با قلم ۱۲ نازک
- عناوین اصلی و فرعی در متن با قلم ۱۳ سیاه
- متن مقاله با قلم ۱۳ نازک
- ارجاعات در داخل متن و بین دو پرانتز (کمان) با قلم ۱۱ نازک
- کلمات و حروف لاتین به خاطر هماهنگی با متن، با قلم ۱۱
- تمام ارجاعات داخل متن، به جز کلمه همان، غیر ایتالیک نوشته می‌شود. و کلمه همان ایتالیک نوشته می‌شود. نحوه ارجاع نیز به این صورت نوشته می‌شود: (اسم نویسنده، و شماره صفحه).
- منابع با قلم ۱۱ نازک نوشته شود. به این ترتیب: (نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال، عنوان کتاب، محقق (مترجم) کتاب، مکان انتشار: ناشر، چاپ)

آدرس وب سایت دکتر سید احمد حسینی کازرونی

www.sahkazerooni.ir

بعد از تایید مقاله باید بر روی سایت مجله بارگذاری شود و اطلاعات تمام نویسندگان در سایت ثبت گردد.

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۶

تحلیل تمثیل‌های نمادین اسب در شاهنامه فردوسی

حسن تاجیک محمدیه، عطا محمد رادمنش، مهرداد چترایی ۸

رویکرد تمثیلی صائب تبریزی در بیان ویژگی‌های انسان سالم از منظر روان‌شناسان انسان‌گرا، با
تکیه بر دیوان غزلیات شاعر

بهزاد پوررضاییان، سید احمد حسینی کازرونی، سید جعفر حمیدی، عزت‌دیره ۲۸

بررسی تمثیلات اخلاقی کلیله و دمنه در تبیین هدف از طبابت

اکبر ساجدی ۵۸

گذری بر تمثیل در مثنویهای طالب علی خان لکهنوی، متخلص به عیشی

زیبا فلاحی، مهرداد چترایی، مریم محمودی ۷۹

"از بودن تا شدن" در حکایتی تمثیلی از مثنوی (بررسی تطبیقی «حکایتی تمثیلی» از مثنوی، با
مفهوم «انسان در مسیر بودن تا شدن» در فلسفه اگزیستانسیالیسم)

مریم مرتضایی، رضا اشرف زاده، بتول فخر اسلام ۹۷

کاربرد نماد و تمثیل در شعر عطار نیشابوری

جعفر هواسی، سید احمد حسینی کازرونی، فرزانه یوسف قنبری ۱۱۷

به نام خداوند جان و خرد

سخن سردبیر

ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
در خرمن صد زاهد عاقل زند آتش
سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد
در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را
چون می رود این کشتی سرکشته که آخر
المنه لله که چوپانی دل و دین بود
قانع به خیالی ز تو بودیم چو حافظ
محصول دعا در ره جانانه نهادیم
این داغ که ما بر دل دیوانه نهادیم
تا روی در این منزل ویرانه نهادیم
مهر لب او بر در این خانه نهادیم
بنیاد از این شیوه رندانه نهادیم
جان در سر آن گوهر یک دانه نهادیم
آن را که لقب عاقل و فرزانه نهادیم
یا رب چه گدا همت و بیگانه نهادیم
حافظ نامه بهاء الدین خرمشاهی.

ج ۲ ص ۱۰۳۲ : غ ۱۸۹

بهار است و روزگار شکوفایی گل و نغمه قمری و بلبل، سایه سار ابر نیسان و صفای باران و گلگشت چمنزاران، سر سبزی سیمای طبیعت و زایش و رویش لاله ها، کاهش تیرگی شبانگاهان و فزونی روشنایی و درخشانی آفتاب، باروری دشت و دمن و بی تابی شیدایان و زمزمه دلبران گل و یاسمن، روانی جویباران و آب شدن برف و یخ کوهساران.

بر آستان جانان گر سر توان نهادن
بر جویبار چشم گر سایه افکند دوست
گلبانک سربلندی بر آسمان توان زد
بر خاک ره گذارش آب روان توان زد

حافظ، دیوان : ۹۰

این جاست که دل ها به وجد می آید و زمین و زمان ندای شادی سر می دهند، سازها به صدا در می آید و شاعران نغمه سرایی می کنند و نویسندگان در خلق مضامین بدعت پردازی.

عشق و شباب و رندی مجموعه مراد است چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد
حافظ: همان

بهاران، اندیشه های نوین آدمیان را در فراسوی زمان صیقلی داده، گشایش خاطرها را طراوتی
خاص می بخشد و راز و رمز بدعت ها را عیان می سازد.

چو شاهدان چمن زیر دست حسن تواند کرشمه برسمن و جلوه بر صنوبر کن
حافظ، به نقل از حافظ نامه، ج ۲ (۱۳۶۸): غ ۲۰۶

در بهاران ۱۳۹۸ خورشیدی، سی و نهمین شماره فصل نامه تحقیقات تمثیلی زبان و ادب
فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر با درج شش مقاله علمی پژوهشی حضور
اندیشمندان و پژوهشگران عرصه زبان و ادبیات فارسی عرضه می دارد.
امیداست به یاری خداوند بزرگ در سال جدید با دریافت مقالات بدیع و ارزشمند بتوانیم در
ارتقای این نشریه علمی دانشگاهی بیش از پیش موفق و انتظار ارزندگان ادب را برآورده
سازیم.

باده و مطرب و می مهیاست ولی عیش بی یار مهیا نشود یار کجاست؟
حافظ، چ سایه، به نقل از گلبنگ یربلندی
(۱۳۷۹) سید احمد حسینی کازرونی و سید جعفر حمیدی

با احترام
سید احمد حسینی کازرونی
استاد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
بهار ۱۳۹۸



فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و نهم - بهار ۱۳۹۸ - از صفحه ۱۱۷ تا ۱۳۵

کاربرد نماد و تمثیل در شعر عطار نیشابوری

جعفر هواسی^۱، سید احمد حسینی کازرونی^{۲*}، فرزانه یوسف قنبری^۳

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

۳- دانشجوی دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

چکیده

عطار نیشابوری، شاعر و عارف بزرگ قرن ششم و هفتم، معانی و مضامین بلند عرفانی را به بهترین وجه در قالب نماد و تمثیل ارائه می‌دهد. او در چهار اثر معروف خود (منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرار نامه) رمز و نماد را پایه و اصل داستانهایش قرار داده است. بازیگران صحنه‌های او نماد و تمثیلی هستند که هدف والای این شاعر را به بهترین وجه آراسته‌اند. تمثیل‌های به کار رفته در آثار عطار، گزارشگر احساسات و تجربه‌های اوست. و برای وصول به اهداف واقعی خود برای وصول به اهداف واقعی خود با بیان تمثیلی و غیر مستقیم از تلخی و گزندگی پند می‌کاهد. در این نوشتار نویسندگان جهت ضرورت تحقیق با محور قراردادن چهار اثر عطار به تشریح توصیفی مبنی بر تجزیه و تحلیل نمادها و تمثیل‌های به کار رفته در شعر این شاعر پرداخته است.

واژگان کلیدی: نماد و تمثیل، منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرارنامه‌ی عطار

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۲۸

* پست الکترونیک نویسنده مسؤول: sahkazerooni@yahoo.com

ghanbari.1977@yahoo.com

مقدمه

نماد یا سمبل که به آن مظهر هم گفته می‌شود، بخش مهمی از ادبیات ما را به خود اختصاص داده است. یکی از شاعران نامدار زبان فارسی یعنی عطار نیشابوری آثار گرانقدر خود یعنی (منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرارنامه) را به نماد و تمثیل آراسته است. جو خفقان و دردآور در دوره‌ی عطار نیشابوری بعد از حمله‌ی خانمان سوز مغول، اجزای سخن گفتن صریح به مردم و نویسندگان و شاعران نداده است و از این رهگذر بوده است که نویسندگان و هنرمندان ناچار به دنبال آفرینش آثاری با زبان نمادین و تمثیلی بوده‌اند. در منظومه‌ی «منطق الطیر» با شگردی رمزناک و سمبولیستی، حکایات و تمثیل‌های فراوان آورده شده است تا راهنمای راهروان مکتب عرفان باشد و به شناخت حقیقت و درک معنویت نائل آیند.

در حقیقت «منطق الطیر» یک اثر نمادین و تمثیلی است که در آن عطار نیشابوری، شرح حال سالکانی را بیان می‌کند که مراحل مختلف سلوک را با راهنمایی هدهد طی می‌کنند و سرانجام هم با راهنمایی هدهد به مرحله‌ی فنا می‌رسند. در منظومه‌ی «مصیبت نامه» که در چهل مقاله سامان یافته است مسیر سلوک در عالم مثال و هم چنین موانعی که بر سر راه سالک برای رسیدن به حقیقت وجود دارد، بررسی می‌شود. تفکر حاکم در مصیبت نامه‌ی عطار، جست و جوی خدا و اصل عالم و سرانجام یافتن آن در وجود خود انسان است.

در «الهی نامه» که داستان خلیفه با شش پسر خود است در واقع همان پیام «منطق الطیر» بیان می‌شود که هدفی که بشر در جستجوی آن است، در وجود خودش نهفته می‌بیند. کتاب «اسرار نامه» اولین اشعار داستانی و نمادین عطار است که محققان کمتر به آن پرداخته‌اند این اثر فاقد یک انسجام خاص است اما در هر مقاله یک عقیده بیان می‌شود و سپس در پایان حکایت نتیجه‌گیری خاص خود را دارد. پیام کلی کتاب «اسرارنامه» فانی و پوچی این دنیاست. بدین منظور می‌کوشیم برای بسط موضوع و فراهم آوردن بستری مناسب، ابتدا خلاصه‌ای از تعریف نماد و تمثیل ارائه دهیم، سپس به بررسی نمونه‌های شعری از چهار اثر مذکور که نماد و تمثیل در آن به کار رفته است بپردازیم. لازم به یادآوری است که نتایج حاصل از این بررسی نمی‌تواند از هر حیث جامع باشد زیرا بدیهی است که بررسی جامعی از نمادها و تمثیل‌های به کار رفته در اشعار عطار نیشابوری فرصت و زمان طولانی‌تری می‌طلبد.

بیان مسأله

نماد و تمثیل در آثار بزرگان زبان و ادب فارسی نقش بسیار مهم و موثری دارد و بخش عمده‌ی بسیاری از متون منظوم عرفانی ما به صورت تمثیل و نماد است. بزرگانی مانند عطار و مولوی و دیگر شاعران، مسائل را به شیوه‌ی تمثیل و نماد بکار گرفته‌اند. این روش به کار گرفته توسط شاعران و نویسندگان علت‌های خاص خود را داشته است. این روش به نوعی الهام گرفته از آیات قرآنی است؛ زیرا در قرآن کریم برای محسوس شدن برخی مسائل، مطالب به شیوه‌ی تمثیل، بیان شده‌اند. عدم درک مسائل عرفانی، ترس از برخورد حاکمان ظالم و گریز از نصیحت مستقیم نویسندگان و شاعران را بر آن داشته است تا از زبان نمادین و تمثیلی استفاده کنند.

در تاریخ ادبیات فارسی تنها به اندک شاعرانی بر می‌خوریم که در مقابل زورگویان و جباران ایستاده باشند. عطار نیشابوری از زبان دیوانگان و توده‌ی مردم و در قالبی نمادین با خشم در مقابل جباران قد علم می‌کند. زبان تمثیلی او گویای برخوردی نابرابر در مقابل این حکام است. «اکثر قصه‌های تمثیلی بر سبیل شاهد مدعاست و ناظر به آن است که نمونه‌ای از صورت وقوع یافته‌ی مدعا را در یک شکل مشابه و قابل ادراک نشان می‌دهد.» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۱۰۲-۹۷)

هدف عطار از بیان نمادها و تمثیل‌ها بیداری غیر مستقیم جامعه و تغییر رفتار حکام است. برای شناخت و آگاهی کامل از حال و روز عطار به عنوان یک شاعر و منتقد مطالعه‌ی آثار وی ضروری به نظر می‌رسد.

«تنها با «درخود» شدن اندیشه است که انسان اندیشمند عهد مغول، خود را از جهان خاکی آزاد می‌کند و از سلطه‌ی عملکرد نیروهای سیاسی نظام اجتماعی فئودال‌ها رها می‌شود. اما زمانی که با آفرینش هنری، دیگر بار، با جهان خاکی مرتبط می‌شود، یافته‌ها را در قالب نماد و تمثیل بیان می‌دارد و در جامه‌ی نماد، ارزش‌های مسلط اجتماعی را به سخره می‌گیرد. در مقام ستیز با دشمن و گرایش و کوبش ارزش‌های اجتماعی، و بیان راستین نیازهای اصیل انسانی، ادیب و هنرمند ناگزیر از توسط به زبان نماد و تمثیل است.» (ملکی، ۱۳۹۰: ۲۱۹)

در چهار اثر عطار نیشابوری (منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرار نامه) زبان نمادین و

تمثیلی چه در حوزه‌ی عرفان و چه در حوزه‌ی سیاسی و اجتماعی نقشی برجسته داشته است. عطار نیشابوری از این زبان نمادین و تمثیلی به چه شیوه‌ای بهره گرفته است؟ او منظور و هدف خود را به چه زبانی برای مردم بازگو کرده است؟

پیشینه‌ی تحقیق

اکبر آبادی محسن (۱۳۹۴) به «تحلیل کیفیت عرفانی و نمادین زبان» در منظومه‌های عطار می‌پردازد. او اعتقاد به کیفیت تمثیلی و نمادین و مهمتر از آن کیفیت تعلیمی و آگاهانه آثار عطار دارد.

قوامی بدریه و سالور پریسا (۱۳۹۲) در تحلیل خود رمزهای به کار رفته در مصیبت نامه‌ی عطار را تحلیل و بررسی می‌کنند.

خدییور هادی و داهیم ربابه (۱۳۹۱) در اثر خود «نماد انگاری در منظومه‌های عطار» به بررسی جنبه‌های رمزی و عرفانی منظومه‌های عطار پرداخته است.

آذرگون علی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «نماد در منطق الطیر عطار نیشابوری» به شرح نمادها و تمثیل‌های به کار رفته در کتاب منطق الطیر همت گماشته است.

ملکی لیدا (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش ادبیات در بازآفرینی اوضاع اجتماعی ایران در عهد مغول» به بررسی نقش نماد و تمثیل و استفاده هنرمندان و ادیبان از این هنرنمایی در مقابل زورگویان می‌پردازد.

فاطمه سید کلثوم (۱۳۸۲) در تحقیق خود از کتاب الهی نامه‌ی عطار ضمن بررسی خود از این کتاب این اثر همراه با دیگر کتاب عطار یعنی منطق الطیر، آن‌ها را آثاری رمزناک و سمبولیتی می‌داند.

اما در این پژوهش، چهار اثر عطار از جهت تمثیل و نماد مورد عنایت قرار گرفته است.

سؤالات تحقیق

- ۱- می توان گفت که عطار از بازیگران صحنه‌ها به عنوان رمز و نماد بهره برده است؟
- ۲- نمادها و تمثیل‌های به کار رفته در منظومه‌های عطار چه نقشی در آگاهی مردم زمان خود داشته‌اند؟
- ۳- نمادها چه مفاهیم و موضوعاتی در منظومه‌های عطار آفریده‌اند؟

روش تحقیق

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و براساس نمونه برداری از آثار عطار و بررسی منابع و مقالات مهم و تهیه کتب است. تلاش بر مقایسه و تحلیل و تجزیه آثار عطار با مآخذ مشابه مورد نظر بوده است؛ به گونه‌ای که اندیشه‌ی عطار نشان داده شود.

در کتب لغت و فرهنگ‌ها معانی و مترادفات زیادی برای نماد و تمثیل گفته شده است. نماد یا سمبل یکی از صور خیال شاعرانه است که به دلیل وسعت و گستره‌ی معنایی بالاتر از استعاره قرار می‌گیرد. اما نماد دارای معانی مختلفی است: ظاهر شدن، نشان دادن و مترادفاتی همانند: رمز، مظهر، نشانه، علامت. نماد را معادل واژه‌ی فرانسوی (symbol) می‌دانند. در کتب علوم بلاغی نماد را این گونه تعریف کرده‌اند: نماد عبارت است از هر گفتار یا تصویری که علاوه بر معنای آشکار و صریح خود، معانی کنایی و پوشیده نیز داشته باشد.

«نماد پردازی در شعر فارسی تقریباً با سنایی رسمیت یافت، پیش از وی در شعر شاعران عارف کاربرد این گونه تصاویر نمادین بسیار اندک است اما همین تصاویر ریشه در سنت ادبی پیش از وی دارد. بنابراین نماد پردازی در ادبیات صوفیه یکباره و ارتجلاً در آثار سنایی یا دیگران پدید نیامده است بلکه شاعران عارف برای رمز سازی از میراث ادبی کهن بهره‌های بسیار گرفته‌اند.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۴-۲۱۳)

انسان‌ها برای شناخت و درک بهتر از دنیای پیرامون خود معمولاً از حواس پنج گانه و قوای عقلانی بهره و کمک می‌گیرند و موجودات و دنیای اطراف خود را از این طریق می‌شناسند و به درک محسوسات می‌پردازند. اما برای شناخت پدیده‌هایی که خارج از قوه‌ی درک انسان‌ها باشند کار برای شناخت و درک بهتر دشوار گردد. پس برای درک اینگونه پدیده‌ها از احساس

و تخیل کمک می‌گیرند. و در واقع، بیان کردن بعضی مفاهیم با زبان عادی امکان‌پذیر نیست یا خیلی دشوار است. گوینده ناچار می‌شود از توانایی‌هایی که باعث افزایش قدرت زبان می‌شود بهره‌برد، در نتیجه کلام به صورت رمزی و نمادین در می‌آید و این بیان نمادین و رمزآمیز باعث غنای بیشتر زبان شعری می‌شود.

در نماد‌شناسی شعر فارسی، حیوانات جزء مهمی از نمادها هستند. در داستان‌های شاعران و نویسندگان همانند عطار و مولوی، حیوانات را نماد شخصیت‌های متفاوت دانسته‌اند. در داستان‌های منطق الطیر، الهی‌نامه و مصیبت‌نامه داستان‌های نمادین و رمزی بسیاری وجود دارد که عطار با آگاهی و شناخت کامل به آنها پرداخته است. این نمادها دارای مفاهیم اجتماعی، عاشقانه و عرفانی است. در اکثر داستان‌های نمادین عطار ما را به نوعی سفر درون رهنمون می‌شود. علت اصلی به کارگیری نماد در آثار عطار این است که عطار از سرگذشت عارفانی همانند منصور حلاج و عین‌القضات همدانی درس گرفت و انتقادات و افکار خود را با زبان رمزی و نمادین به کار برد. «در ادبیات فارسی داستان‌ها و افسانه‌های فراوانی مربوط به حیوانات در قالب نظم و نثر بیان شده است که در بیشتر آنها حیوانات به زبان انسان‌ها سخن می‌گویند. به این گونه داستان‌ها در اصطلاح «فابل» می‌گویند که غرض از آنها نوعی داستان تمثیلی و استعاری است که جانوران و پرندگان و گیاهان و جز آنها در نقش انسان ظاهر می‌شوند.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۲۴۱)

در واقع جو خفقان و دردآور حاکمان ظالم در دوره‌های مختلف باعث می‌شده است که شاعران و نویسندگان نتوانند در چنین فضایی آزادانه نظریات خود را بازگو کنند پس ناچار و ناگزیر به سمت استفاده و آفرینش نمادها و نشانه‌ها می‌رفته‌اند.

اما واژه‌ی تمثیل به معنای «شبیهِ» یا «مانند و هم‌تا» معنا شده است واژه‌ی تمثیل به معنای زیر آمده است: ۱- مثال آوردن ۲- تشبیه کردن ۳- صورت چیزی را مصور کردن ۴- داستان آوردن ۵- عقوبت کردن، عذاب کردن (زیرا چنین کسی را سرمشق و نمونه برای دیگران می‌دانسته‌اند).

الشْرِيشِي، شارح مقامات حریری، چنین می‌گوید: «المثل عبارة عن تعريف لا حقيقة له في الظاهر و ضمن باطنه الحكم الشافیه» (الشْرِيشِي متولد ۵۵۷، شارح مقامات حریری متوفی

(۶۱۹). مثل غالباً از اشیا و جمادات و حیوانات و مانند آنها حکایت می‌کند و در ظاهر حقیقی نیست اما در درون آن، معانی عالی و پر مغز نهفته است. «تمثیل از ارتباط دوگانه‌ی بین مشبّه و مشبّه به به وجود می‌آید و بیان حکایتی است که یک معنای ظاهری دارد اما مقصود گوینده که معنای کلی‌تر دیگری است. قهرمانان حکایت تمثیلی ممکن است افراد انسانی یا جانوران باشند. این قسم اخیر، معروف‌ترین نوع تمثیل است و فرنگیان به آن «فابل» می‌گویند. مثلاً در کتاب «کلیله و دمنه» که عالی‌ترین مجموعه‌ی فابل در ادبیات فارسی است، هر یک از حیوانات مظهر یک طبقه از افراد هستند» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۲۰۹-۲۰۵)

بزرگان زبان و ادب فارسی به سه دلیل از تمثیل استفاده کرده‌اند:

۱- جرأت نداشته‌اند مسائل را به صورت آشکارا بیان کنند ۲- گاهی درک مسائل عرفانی سخت بود پس از زبان تمثیل استفاده می‌کردند ۳- برای تأثیر بیشتر بر مخاطب زبان تمثیل را انتخاب کرده‌اند.

پس آنچه حکایت‌های کهن فارسی را از داستان‌ها و افسانه‌های دیگر اقوام و ملت متمایز و برجسته می‌کند بهره‌گیری و استفاده از مثل‌های شیرین است. در این حکایات گوینده برای بیان و آشکار کردن منظور خود از رویداد یا نیستی دیگر بهره می‌گیرد و با رمز و نشانه سخن خود را آرایش می‌دهد.

اکثر حکایت‌های تمثیلی زیبایی که عطار نیشابوری در آثار خود به کار گرفته است برای رسیدن به کمال انسانی و فضیلت‌های اخلاقی بوده است.

خداوند متعال در تورات و انجیل به ویژه در قرآن کریم، توجه خاصی به تمثیل داشته است. «در قرآن به بیش از ۱۷ مثل و تمثیل تصریح شده و بیش از ۲۴۵ آیه‌ی قرآن به عنوان ضرب‌المثل در زبان عربی و فارسی به کار می‌رود. برخی از تمثیل‌های قرآن در کتاب‌های آسمانی پیشین آمده اما برخی از آنها به حدی زیبا و در نهایت کمال است که مجال هرگونه شک و شائبه‌ی تقلید را بر مستشرقان بسته است» (ریچارد پل، مستشرق انگلیسی استاد لغت دانشگاه ادینبرو مؤلف کتاب *origin of Islam*)

«از علل عمده‌ی مقبولیت تمثیل در جوامع بشری می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

۱- تمثیل معمولاً ساختاری داستانی دارد و علاقه به داستان در نهاد بشر امری فطری است؛

زیرا تمامی چهار ویژگی عمده‌ای را که محققان برای امور فطری بر می‌شمارند، در قصه و داستان دیده می‌شود. این ویژگی‌ها به طور خلاصه عبارتند از: ۱- خاص نوع انسانند ۲- همگانی هستند ۳- تغییر ناپذیرند ۴- این گرایش و علاقه محصول یادگیری نیست؛ به عبارتی دیگر اکتسابی نیستند. با کمی تأمل در می‌یابیم تمامی این ویژگی‌ها در قصه آشکار است؛ ۲- تمثیل یا بیانی غیر مستقیم و کنایی، از تلخی و گزندگی پند می‌کاهد ۳- معمولاً معانی انبوه در قالب تمثیل به شکلی موجز ارائه می‌شود و کمتر باعث خستگی و ملالت مخاطب می‌گردد ۴- مهم‌ترین نکته آن است که تمثیل، چون سایر آرایه‌ها فرآیندی دوجانبه دارد؛ بدین گونه که گوینده با بیانی تمثیلی نیمی از انتقال پیام را به عهده می‌گیرد و باقی را به عهده‌ی شنونده و مخاطب می‌گذارد ۵- تمثیل در فرهنگ بشری مروج و روحیه‌ی تسامح و نقطه‌ی اشتراک است به گونه‌ای که هیچ کس آن را محل مناقشه نمی‌داند.» (شرفی، ۱۳۹۴: ۳۴۴)

شکل و بافت حکایت‌های تمثیلی عطار نیشابوری ساده و کوتاه است و قالب‌های به کار گرفته شده هم یکسان است، تنها مطلبی که جلب توجه می‌کند این است که رویدادها و مضمون حکایات عطار گوناگون است. حکایت‌های تمثیلی عطار با یک گفتگوی ساده آغاز می‌شود سپس به گونه‌ای استعاری گسترش می‌یابند. در ادامه‌ی این بحث نماد و تمثیل در شعر عطار نیشابوری، به نمونه‌هایی از ابیات و اشعار او اشاره می‌شود:

هدهد نماد یک رهبر برای رسیدن به سیمرغ حقیقت و رساندن دیگر پرندگان به آن وادی در تلاش است:

| | |
|------------------------|--------------------------|
| مرحبا ای هدهد هادی شده | در حقیقت پیک هر وادی شده |
| صاحب سَر سلیمان آمدی | از تفاخر تاجور زان آمدی |

(منطق الطیر، ۱۳۷۴: ۳۵)

طوطی همانند ابراهیم خلیل (ع) باید آتش نفس را خاموش کند:

| | |
|---------------------------|----------------------------|
| سر بزن نمرود را همچون قلم | چون خلیل اله در آتش نه قدم |
|---------------------------|----------------------------|

(همان: ۳۵)

کوه در منطق الطیر نماد نفس است که باید با ریاضت آن را رام کرد:

کوه خود درهم گداز از فاقه ای تا برون آید ز کوهت ناقه ای

(همان: ۳۵)

بلبل نماد مردم جمال پرست و طالب زیبایی است او تنها عاشق گل است و بس:

در سرم از عشق گل سودا بس است زانک مطلوبم گل رعنا بس است

(همان: ۴۳)

طوطی نماد دنیا داران و ثروت پرستان:

خضر مرغانم از آنم سبز پوش بوک دانم کردن آب خضر نوش

(همان: ۴۵)

طاووس نماد اهل ظاهر است:

گرچه من جبرئیل مرغانم ولیک رفت بر من از قضا کاری نه نیک

(همان: ۴۶)

بط نماد زاهدانی که وسواس در طهارت دارند:

من ره وادی کجا دانم برید زانک با سیمرخ نتوانم پرید

(همان: ۴۸)

عطار آدمی و سالک را به چشم موسیچه می بیند:

خه خه ای موسیچه ی موسی صفت خیز و موسیقار زن در معرفت

همچو موسی دیده ای آتش ز دور لاجرم موسیچه ای بر کوه طور

(همان: ۳۹)

کبک نماد مردم ظاهر پرست:

چون ره سیمرخ راه مشکل است

پای من در سنگ گوهر در گلست

(همان: ۴۹)

هما نماد انسان‌های مغرور است:

نفس سگ را استخوانی می‌دهم

روح را زین سگ امانی می‌دهم

(همان: ۵۲)

باز نماد انسان‌هایی که از نزدیکی به پادشاه مغرورند:

من اگر شایسته سلطان شوم

به که در وادی بی پایان شوم

(همان: ۵۳)

بوتیمار نماد انسان‌های خسیس است:

چون منی را عشق دریا بس بود

در سرم این شیوه سودا بس بود

(همان: ۵۵)

جغد نماد انسان‌های گوشه نشین:

من نیم در عشق او مردانه‌ای

عشق گنجم باشد و ویرانه‌ای

(همان: ۵۷)

صعود نماد انسان‌های ضعیف:

گفت من حیران و فرتوت آمدم

بی دل و بی قوت و قوت آمدم

(همان: ۵۸)

تذرو از کنگره‌ی عرش مبتلای کنج محنت آباد شد:

مرحبا ای خوش تذرو دوربین
در میان چاه ظلمت مانده‌ای
چشمه‌ی دل غرق بحر نور بین
مبتلای حبس و تهمت مانده‌ای
(همان: ۴۱-۴۲)

فاخته نماد بی وفایی و بی مهری:
مرحبا ای فاخته بگشای لب
چون بود طوق وفا در گردنت
تا گهر بر تو فشانند هفت صحن
زشت باشد بی وفایی کردنت
(همان: ۴۲)

شیخ صنعان نماد انسان‌هایی که به امتحان الهی مبتلا می‌شوند:
یوسف توفیق در چاه افتاد
عقبه دشوار در راه افتاد
(همان: ۶۸)

دختر ترسا نماد انسانی که با لطف الهی به دریای حقیقت رسیده است:
آخر الامر آن صنم چون راه یافت
ذوق ایمان در دل آگاه یافت
(همان: ۸۸)

دیوانگان نماد مبارزانی که ظلم شاهان را تاب نمی‌آورند:
به شه گفتا چرا اگر عقل داری
گناهت می‌بری زر می‌گذاری
گنه با خویشان در گور بردی
همه زرها رها کردی و مردی
(اسرارنامه، ۱۳۳۸: ۱۶۰)

دیوانه‌ای که وقتی دید امام جماعت به خرید گاو مشغول است بانگ گاو بر آورد:
کسی بیش خطیب آمد به تعجیل
سوالش کرد از آن حالت به تفضیل
چو در الحمد خواندن کردم آغاز
به خاطر اندر آمد گاو ده باز
(الهی نامه، ۱۳۳۸: ۱۸۷)

تمثیل زیبای شمع و پروانه که راه رسیدن به معشوق و فنای او در آتش به تصویر می‌آید:

یک شبی پروانگان جمع آمدند
در مضمینی طالب شمع آمدند
شد یکی پروانه تا قصری ز دور
در فضای قصر یافت از شمع نور

(منطق الطیر، ۱۳۷۴: ۲۲۲)

در مصیبت نامه باد نماد نسیم روح است:

یوسفی در مصر جان داری مقیم
گر نسیم او بیابی یک نفس
هر زمان می‌رسد از وی نسیم
آن نفس دانی که باشی هیچ کس

(مصیبت نامه، ۱۳۸۸: ۳۲۷۴-۳۲۷۹)

عطار در مصیبت نامه در مقاله‌ی دهم بهشت را تمثیلی از دیدار جمال حق می‌داند:

در بهشت است آفتاب لایزال
هر که اینجا آشنایی یافت او
یعنی از حضرت تجلی جمال
زان تجلی روشنایی یافت او

(همان: ۲۳۹۶-۲۳۹۵)

عطار در مصیبت نامه پرنده را نماد عالم علوی می‌داند:

پیر گفتش هست مرغ از بس کمال
جمله‌ی معنی علوی را مثال

(همان: ۴۳۸۴-۴۳۸۲)

او رسول اکرم (ص) را نماد «فقر» می‌داند:

نقطه‌ی فقر، آفتاب خاص اوست
در دوکونش، فخر، از اخلاص اوست

(همان: ۶۰۵۵)

ابلیس از نظر عطار آرزوهای نفسانی است که زائیده‌ی نفس است:

عشوه ابلیس از تلبیس تست در تو یک یک آرزو ابلیس توست

(منطق الطیر، ۱۳۷۴: ۱۳۳)

عطار در منطق الطیر از خضر هم انتقاد می‌کند و آرزوی جاودانگی او را مورد سرزنش قرار می‌دهد او می‌گوید راه عشق راه بقا نیست:

چون توان در حفظ جانی مانده من به تو هر روز جان افشانده

بهتر آن باشد که چون مرغان ز دام دور باشیم از هم والسلام

(همان: ۵۶)

در داستان تمثیلی روباه و گرگ در کتاب اسرارنامه، دو شخصیت روباه و گرگ را به گفت و گو با هم و می‌دارد سپس نتیجه گیری خود را با تعهدات اخلاقی و آموزش‌های ایمانی و عرفانی خود پیش می‌برد:

| | |
|-------------------------------|---------------------------------------|
| به روباه گفت اگر مشتاق مایی | فرود آیم بگو، یا تو بر آیی؟ |
| جوابش داد آن روباه دلتنگ | که من لنگم تو به کایی بر لنگ |
| زبان بگشاد آن گرگ ستمکار | که ای روبه مرا تنها بمگذار |
| امان کی یافت آن گرگ دغل باز | که با روبه کند گرگ آشتی ساز |
| سگی ست این نفس در گلخن بمانده | اگر با استخوان کیبویی ^۱ تو |

(اسرارنامه، ۱۳۸۶: ۱۶۱-۱۶۲)

در داستان زنبور و مورچه از کتاب الهی نامه، عطار در یک فضای تمثیلی زنبور را نمادی از یک موجود بی فکر و خوشحال و سوسه گر می‌داند و مورچه نمادی از عقل دوراندیش. سپس نتیجه گیری عطار یعنی باز داشتن نفس از آلودگی‌های زندگی مادی:

^۱ کیبو را مرغی دانسته‌اند که در جنگل‌ها از تارهای نازک برگ درختان آشیانه خود را می‌سازد در اینجا استخوان آن باعث می‌شود که سگ نفس گرسنه نماند و فربه شود

که هر کو آن خورد کو را بود رأی
همی آنچس نباید دید ناکام
قدم بر حد خود باید نهادن
غرور و کبر کم باید گرفتن
نشیند بر مراد خود همه جای
همه همچون تو آن بیند سرانجام
به فرمان گام می‌باید گشادن
ره خلق و کرم باید گرفتن

(الهی نامه، ۱۳۵۱: ۱۶۹)

در حکایت تمثیلی دیگری در کتاب الهی نامه پس از آنکه شخصیت اصلی حکایت یعنی روباه به دام می‌افتد و خود را به مردن می‌زند هر کسی عضوی از بدن او را جدا می‌کند و سرانجام آنچه از بدن روباه می‌ماند «دل» اوست داستان نمادینی که عطار درست می‌کند قابل ستایش است او در این حکایت دل را از نظر عارفان و عاشقان مرکز عشق و امید می‌داند:

چو نام دل شنید از دور روباه
به دل می‌گفت با دل نیست بازی
بگفت این و به صد داستان و تزویر
دل من گم شد از من ناپدیدار
چو دانم از دل خود بی نشانم
جهان بر چشم او شد تیره آن گاه
کنون ناید به کارم حيله بازی
بجست از دام همچون از کمان تیر
نه من از دل نه دل از من خبر دار
نشانی کی بود از دستانم

(همان: ۱۸۲)

شاهین در منطق الطیر عطار چون در سیری و گرسنگی اعتدال را نگه می‌دارد به شاهین ترازو در اعتدال تشبیه شده است این پرنده به خاطر شکوه خود شاه مرغان است:

خه خه ای شاهین به پرواز آمده
چون بگردد از دوگیتی رأی تو
رفته سرکش سرنگون باز آمده
دست ذوالقرنین باشد جای تو

(منطق الطیر، ۱۳۷۴: ۴۳-۴۲)

سرزمین چین در نظر عطار نمادی از عالم هستی است:

آن پر اکنون در نگارستان چین ست

أطلب العلم و لو بالصين ازین ست

(همان: ۴۷)

سوزن نماد دل‌بستگی دنیایی است:

سوزنی چون دید با عیسی بهم

بیضه‌ای بر رو فکندش لاجرم

(همان: ۳)

خوک نمادی از صفات زشت و خودخواهی و ریاکاری:

در نهاد هر کسی صد خوک هست

خوک باید کشت یا زئار بست

(همان: ۹۱)

خر نماد نفس و تن و عیسی نماد جان:

نفس را همچون خر عیسی بسوز

پس چو عیسی جان به جانان برفروز

خر بسوز و مرغ جان را کار ساز

تا تو را روح الله آید پیشباز

(گوهرین، ۱۳۲۷: ۲۵۷)

مگس نمادی از ضعف و کوچکی و حقارت:

صد بلا در هر نفس آنجا بود

طوطی گردون، مگس آنجا بود

(منطق الطیر، ۱۳۷۴: ۲۱۵)

در کتاب الهی نامه‌ی عطار، گفت و گوی یک خلیفه با شش پسر جوان خود را به روشی تمثیلی بیان شده است عطار در این داستان آرزوهای انسان را از طریق پسران پادشاه مطرح می‌کند اما شیوه‌ی نمادین و تمثیلی عطار از این شش پسر به شرح زیر است:

پسر اول نماد نفس است که آرزوی وصال دختر شاه را دارد:

به نطق آورد اول یک پسر راز
که دارد شاه پریان دختری بکر
که اصل است از بزرگان سرافراز
که نتوان کرد مثلش دیگری ذکر
(الهی نامه، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

پسر دوم نماد و تمثیلی از وهم است او خواهان سحر و جادوگری است:
پسر آمد دوم یک با پدر گفت
که من در جادویی خواهم گهر سفت
پدر گفتش که دیوت غالب آمد
دلت زان جادویی را طالب آمد
(همان: ۱۷۷)

پسر سوم نماد عقل است او به دنبال جام جم است:
پسر آمد سوم یک با کمالی
پدر را داد حالی شرح حالی
که یک جام است در گیتی نمایی
من آن خواهم نه فر پادشاهی
(همان: ۲۲۰)

پسر چهارم به دنبال آب حیات است و زندگی جاودان نماد دانایی و علم:
پس آمد چهارم یک نکو رأی
همه آرام و آسایش سر و پای
پدر را گفت تا در کایناتم
به صد دل طالب آب حیاتم
(همان: ۲۶۸)

پسر پنجم به دنبال انگشتی سلیمان است او نماد فقر است:
پسر گفتش که هرگز آدمی زاد
ندیدم ز آرزوی ملک آزاد
نمی‌بینم من از مه تا به ماهی
کسی را کو نخواهد پادشاهی
(همان: ۳۶۵)

پسر ششم به دنبال کیمیاست او نماد توحید و طالب ذات واحد است:

پسر آمد ششم یک دل پر اسرار
 پدر را گفت آن خواهم همیشه
 ز الماس زبان گشته گهر بار
 که باشد کیمیا سازیم پیشه

(همان: ۳۰۶)

نتیجه گیری

از بررسی و کنکاش در منظومه‌های عطار نیشابوری این نتیجه به دست می‌آید که داستان‌های منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرار نامه هم در ساختار کلی و هم در اجزا دارای نمادها و تمثیل‌ها و رمزهایی هستند که عطار خود آگاهانه به آنها پرداخته است. در هر کدام از این منظومه‌ها سیر داستان به گونه‌ای است که انسان در نهایت به خویشتن شناسی می‌رسد. شیوه‌ی مبارزه‌ی عطار به گونه‌ای است که در مقابل حاکمان ظالم باید به گونه‌ای غیر مستقیم برخورد کند. گاهی نمادهای به کار رفته در منظومه‌های عطار مفهوم و معنایی عرفانی، سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی دارند. عطار بسیاری از تجربه‌های خود را در زمینه‌های گوناگون به صورت رمز و نماد نشان داده و از این طریق مسائل را به شکل محسوس برای مخاطبان خود گفته است. عطار خود به خوبی دریافته است که زبان نمادین و تمثیلی باعث افزایش قدرت تأثیر زبان می‌شود. و حتی کلام رمزآلود و نمادین باعث غنای هرچه بیشتر زبان شعر است.

منابع و مأخذ

کتب:

قرآن کریم

۱. زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۸. صدای بال سیمرغ (درباره‌ی زندگی و اندیشه‌ی عطار)، تهران: سخن
۲. شمیسا، سیروس. ۱۳۷۲. انواع ادبی، تهران: فردوس
۳. شرفی، محمدرضا. ۱۳۹۴. روان شناسی نوجوان، تهران: تربیت
۴. عطار نیشابوری، فریدالدین. ۱۳۷۴. مقابله و تصحیح منطق الطیر، احمد خاتمی، تهران: پایا
۵. ----- ۱۳۳۸. اسرارنامه، تصحیح سید صادق گوهرین، تهران: صفی علیشه

۶. ----- .۱۳۳۸. الهی نامه، به اهتمام نورانی وصال، تهران: زوار
۷. ----- .۱۳۸۸. مصیبت نامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن
۸. ----- .۱۳۸۶. محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات: سخن، چ سوم.
۹. ----- .۱۳۵۱. الهی نامه، تصحیح فؤاد روحانی، تهران: زوار، چ دوم.
۱۰. ----- .۱۳۸۸. الهی نامه. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن
۱۱. فتوحی، محمود. ۱۳۸۶. بلاغت تصویر، تهران: سخن
۱۲. گوهرین، سید صادق. ۱۳۲۷. فرهنگ و لغات و تعبیرات مثنوی، دانشگاه تهران، چ سوم.
۱۳. وحیدیان کامیار، تقی. ۱۳۷۴. وزن و قافیه شعر فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، چ چهارم.

مقالات:

۱۴. آذرگون، علی. ۱۳۹۱. نماد در منطق الطیر عطار نیشابوری، فصلنامه‌ی ادبیات فارسی
۱۵. اکبر آبادی، محسن. ۱۳۹۴. تحلیل کیفیت عرفانی در منظومه‌های عطار، شماره اول، سال ششم، پژوهشگاه علوم انسانی
۱۶. خدیور هادی، داهیم ربابه. ۱۳۹۱. نماد انگاری در منظومه‌های عطار، فصلنامه‌ی علمی و پژوهشی «عرفانیات در زبان فارسی»
۱۷. فاطمه سید، کلثوم. ۱۳۸۲. تحقیق در الهی نامه عطار، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
۱۸. قوامی بدریه، سالور پریسا. ۱۳۹۲. تحلیل رمزهای مصیبت نامه‌ی عطار
۱۹. ملکی، لیدا. ۱۳۹۰. نقش ادبیات در بازآفرینی اوضاع اجتماعی ایران عهد مغول، سال دوم، شماره هفتم، پژوهشگاه علوم انسانی



**Journal of Research Allegory in
Persian Language and Literature**
Islamic Azad University- Bushehr Branch
No. 39 / Spring 2019

Application of the symbol and parable in the poem of Atar Nishapur

Jafar Havasi¹, Sayed Ahmed Hosseini^{2*}, Farzana Yousef ganbari³

1.Ph.D. student of Persian language and literature, Dezful Branch,
Islamic Azad University, Dezful, Iran

2.Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr
Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

3.Assistant Professor of Persian Language and Literature, Dezful
Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran,

Abstract

Attar Neishaburi, the great poet and great mystic of the sixth and seventh centuries, offers the meanings and themes of the highest mysticism in the best form in the form of symbolism and allegory. In his four well-known works (mantegh al-Tayer, mosibat nameh and elahi nameh and asrar nameh), he has set the cipher and symbol of his stories. The actors of his scenes are symbolic and allegorical that bestowed the poet's ultimate goal. The allegories used in the writings of Attar are the reporter of his feelings and experiences. He misses the bitterness of the bitterness of the bitter and indirect expression of his real goals. In this article, the writers have devised a descriptive analysis of the symbols and parables used in the poet's poetry for the necessity of research, focusing on four works of Attar.

Key words: symbolism and allegory, logic of al-Tayyur, tragedy, divine letter and mystery of Attar

*E-Mail: sahkazerooni@yahoo.com



I. A. U.
Bushehr Branch

ISSN 2008-627X

Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature

Vol. 11 • No. 39 • Spring 2019

- The Analysis of Symbolic Allegories of Horse in Ferdowsi's Shahnameh
Hassan Tajikmohammadiyeh, Ata Mohammad Radmanesh, Mehrdad Chatrayi 27
- The allegorical approach of Saeb Tabrizi in expressing the characteristics of a healthy person from the perspective of human-oriented psychologists, relying on the Divan Ghazlitat poet
Behzad Pourrezaein, Seyyed Ahmad Hussein Kazeroni, Seyyed Jafar Hamadi, Ezat Dire 57
- The study of Kelly and Demne's moral parables in explaining the purpose of medicine
Akbar sajadi 78
- Passing on "allegory" in the Masnavi of Talib Ali Khan Lokhanawi, called 'Eishi'
Ziba Falahi, Mehrdad Chatraei, Maryam Mahmoodi 96
- From "to be" till "to become" in a figurative story from Masnavi (Comparative review of "a figurative story" from Masnavi with "human in path of to be till to become" concept in existentialism philosophy)
Maryam Mortezaei, Reza Ashrafzade, Batul Fakhre Islam 116
- Application of the symbol and parable in the poem of Atar Nishapur
Jafar Havasi, Sayed Ahmed Hosseini, Farzana Yousef ganbari 135



Islamic Azad University
Bushehr Branch